نخستین واکنش منتقدان به «زمانی برای مردن نیست»

یک جیمز باند پنج ستاره در آخرین حضور دنیل کریگ

پنجمین و آخرین حضـور دانیل کریگ در نقش مامور مخفـی ۰۰۷ در فیلم جیمـز باندی «زمانـی برای مردن نیسـت» با واکنش‌های گسترده و بسـیار مثبت منتقدان آمریکایی و اروپایی روبه‌رو شد.

به گزارش هنر انلاین، پس از چند بار عقب افتادن برنامه اکران، سـرانجام بیست و پنجمین فیلم جیمز باندی تاریخ سینما روز سه‌شنبه نخستین بار در دنیا در رویال آلبرت هال لندن روی پرده رفت و منتقدان بلادرنگ پس از تماشـای «زمانی برای مردن نیست»، همه جزئیات فیلم را ستودند. هر چند به نظر می‌رسـد زمان ۱۶۳ دقیقه‌ای فیلم به مذاق برخی سینمایی‌نویس‌ها خوش نیامده است.

کویـن ماهر از روزنامه تایمز لنـدن «زمانی برای مردن نیست» را «بهتر از خوب و فوق‌العاده» توصیف کرد و آخرین بازی دنیل کریگ را در نقش اصلی فیلم ستود. پیتر بردشا از روزنامه گاردین هم آن را «یک حماسه تکان‌دهنده» دانست که اکشـن و درام و کمدی و وحشـت و شکستن قلب را همزمان در خود جای داده اسـت. گاردین در همان اولین نقد پس از نمایش «زمانی برای مردن نیست» به فیلم پنج سـتاره از پنج سـتاره ممکن داد و آن را تا اندازه‌های یک شاهکار سینمایی بالا برد.

استفانی زاکارک، منتقد هفته‌نامه تایم آمریکا با ستایش کردن بازی پایانی کریگ در نقش جیمز باند، نوشت: «حتی این خداحافظی هم ارزش آن را ندارد که فیلم دو سـاعت و ۴۳ دقیقه طول بکشـد. ضمن اینکه جیمز باند بیست و پنجم یکـی از احمق‌ترین ضد قهرمان‌های این مجموعه را با بازی رامی ملک رو کرده اسـت. بـا این حال، می‌توان از تمام کمبودهای «زمانی برای مردن نیست» چشم پوشید و آخرین هنرنمایی بهترین بازیگر نقش جیمز باند را در تاریخ سـینما به تماشا نشست.» کریگ سـال ۲۰۰۶ با «کازینو رویـال» نقش مامور مخفی ۰۰۷ را از پیرس برازنان تحویل گرفت و پس از ۱۵ سـال و حضور در پنـج فیلم حالا آن را برای همیشـه کنار گذاشته است. رابی کالین از سایت و روزنامه تلگراف دیگر منتقد انگلیسی است که پنج ستاره به «زمانی برای مردن نیسـت» داده و آن را بسان یک شاهکار تحویل گرفته است: «آقای باند ما مدت‌هاست منتظر شما هسـتیم و دیدن دوباره شـما روی پرده لذت و آرامشـی وصف‌ناپذیر به همه ما بخشیده است.»

کلاریس لوفری از ایندیپندنت، جاناتان رامنی از اسکرین دیلی، جان ناجنت از امپایر، اوون گیلبرمن از ورایتی، دیوید رونی از هالیوود ریپورتر و برایان لوری از سی‌ان‌ان هم دیگر منتقدانی بودند که کم و بیش لب به تحسـین و سـتایش بازیگران و کارگردان «زمانی برای مردن نیست» گشودند.

رالف فاینس، کریسـتف والتس، رامی ملک، لئا سیدو، نومی هریس، جفری رایت، بن ویشـاو و... بازیگران «زمانی برای مردن نیست» به کارگردانی کری فوکوناگا هستند که زمان نمایش عمومـی آن بارها به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا عقب افتاد و حال همه امیدوارند بتواند سینماها را به دوران پیشاکرونا بازگرداند.

۱۹ متل ایتالیایی از خالق «پینوکیو» و دیگر نویسندگان به زبان انگلیسی منتشر می‌شود

یکی از داستان‌های پریان خالق «پینوکیو» که بر اسـاس یک متل فرانسوی نوشته شده، در قالب یک مجموعه از متل‌های منتشرنشده ایتالیایی به زبان انگلیسی به بازار می‌آید.

به گـزارش هنر انلاین، کارلـو کولودی با افسـانه ماندگار «پینوکیو» در جهان شناخته می‌شود؛ عروسـک چوبی نجاری به نام ژپتو که پس از پشت سر گذاشتن انبوه ماجراهای عجیب و غریب سـرانجام انسان می‌شود و با پدر ژپتو زندگی می‌کند. کولودی نسـخه‌ای ایتالیایی از داسـتان «پوست الاغ» شارل پرو، نویسنده فرانسوی نوشته بود که قرار است در آینده نزدیک در مجموعه انگلیسی‌زبان «انارها و دیگر متل‌های ایتالیایی» منتشـر شـود و به بازار کتاب بیایـد. «انارها و دیگر متل‌های ایتالیایی» مجموعه‌ای دربرگیرنده ۲۰ داستان پریان و متل ایتالیایی به زبان انگلیسـی است که همه آنها جز یک مورد پیش‌تر منتشر نشده بودند. بنگاه نشر دانشگاه پرینستن این کتاب را روز ۱۹ اکتبر روانه بازار می‌کند و هر ۲۰ متل آن بـه بازه زمانی سـال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۹۱۴ و دوره یکپارچگی سیاسـی ایتالیا تعلق دارند. «پوست الاغ» کولودی که تفاوت‌های اساسی با نسخه فرانسـوی دارد، درباره ماجرای یک شاهزاده‌خانم اسـت که برای گریختن از نیت شوم و پلید پدرش وارد پوست الاغ می‌شود.

دومنیکـو کامپارتـی که او را بـه خاطر تلاش‌هایش برای گردآوری داستان‌های پریان و متل‌های کشورش گریم ایتالیایی می‌نامند و گراتزیا دلدا، تنها نویسنده زن ایتالیایی که (در ۱۹۲۶) برنده جایزه معتبر نوبل ادبیات شـده است، از دیگر چهره‌هایی هستند که داستان‌ها و متل‌هایشان در کتاب تازه دانشگاه پرینستن آمده است. «انارها و دیگر متل‌های ایتالیایی» با ترجمه و ویراستاری خانم کریستینا ماتزونی منتشر می‌شود که استاد زبان و فرهنگ رومی در دانشگاه ورمونت آمریکاست.

کارلو کولودی بـا نام اصلی کارلو لورنزینی ۲۶ اکتبر ۱۸۹۰ از دنیا رفت و بیش از هر چیز در دنیای ادبیات با داستان و کتاب «ماجراهای پینوکیو» شناخته می‌شود. این داستان ابتدا در قالب پاورقی در سال ۱۸۸۱ در یک هفته‌نامه منتشر شد و سـپس به دلیل استقبال بسیار خوب مردم نسـخه کامل آن در فوریه ۱۸۸۳ در یک کتاب جداگانه و مستقل به بازار آمد.

اسـتودیو دیزنی در ۱۹۴۰ فیلم انیمیشن «پینوکیـو» را تولید کرد که گفته می‌شـود نسبت به داستان کتاب خشونتی بسیار کمتر دارد. سـال‌ها بعد روبرتو بنینی نسـخه زنده «پینوکیو» را در ۲۰۰۲ سـاخت و خودش در آن ایفای نقش کـرد. بنینی در ۲۰۱۹ بازیگر نقش پدر ژپتو در فیلم سـینمایی «پینوکیو» به کارگردانی متئو گارونه بود که از نظر میزان خشـونت بسـیار به کتاب کولودی شباهت داشت.

نگاهی به فلسفه ری کاواکوبو در جهان مدهای نامتعارف و جسور

نامتقارن اما منشأ تفکر

زیبا چیسـت، منحرف شـدن از هنجار زیبایی چگونه نمود می‌یابد و اینکه انحراف از این هنجار چه تأثیرهایی خواهد داشت، جملگی موارد نسبی و وابسته به زمان و مکان هستند. به گزارش هن آنلاین، در هیچ ساحتی، اگر در جستجوی ایده‌آل‌های کامل زیبایی باشیم، به نتیجه‌ای نخواهیم رسید. به طور کلی، گذشته از اینکه ویژگی‌های همسان جذاب هستند و ویژگی‌های ناهمسان جذابیتی ندارند، دست یافتن به تمام ایده‌آل‌های زیبایی به طور کامل کاری بس مشکل است. در عین حال، همسانی را می‌توان در گونه‌های مختلف جستجو کرد: دو بدن لاغر و فربه می‌توانند همسان باشند؛ چشمان ریز و درشت، پاهای کشیده و کوتاه یا شانه‌هایی باریک و پهن نیز می‌توانند همسان باشند. و دیگر آنکه به واقع زیبا چیست، منحرف شدن از هنجار زیبایی چگونه نمود می‌یابد و اینکه انحراف از این هنجار چه تأثیراتی خواهد داشـت، جملگی موارد نسبی و وابسته به زمان و مکان هستند. به هر روی، همسانی یک ویژگی محوری و حائز اهمیت است و به همین دلیل، آزمایشات ری کاواکوبو طراح ژاپنی مد و لباس با شکل‌های نامتقارن افراد را به فکر وامی‌داشته است. اشکالی که بدن را از نو می‌آرایند و از وی نقل شده است که طی چنین فرایندهایی، بدن تبدیل به لباس می‌شود و دوباره تبدیل به بدن می‌شود. بدن انسان با پوشیدن این لباس‌ها غیرعادی و در عین حال زیبا جلوه می‌کند به گونه‌ای که گویی کاواکوبو قصد دارد همسانی را که جزو جدایی‌ناپذیر ایده‌آل زیبایی است زیر سؤال بَرَد. کاواکوبو لباس‌هایی طراحی می‌کند که در چشـم غریبه‌ها نامتعارف اسـت زیرا که به طور مثال، این لباس‌ها مطابق با آداب و رسوم غربی‌ها طراحی نشده‌اند اما این امر نشان می‌دهد که طرز فکر ما تا چه میزان تحت تأثیر این آداب و رسوم قرار دارد زیرا می‌دانیم که این رسوم می‌توانستند به گونه‌ای دیگر باشند. به هر تقدیر، ری کاواکوبو از تأثیرگذارترین طراحان مد است که می‌کوشد طراحی لباس به شکل سنتی را به چالش کشد. سال ۲۰۱۷ نمایشگاهی از آثار او در موزه هنر متروپولیتن نیویورک برگزار شد و در این نمایشگاه ۱۵۰ عدد از لباس‌های زنانه‌ای که کاواکوبو از اوایل سال ۱۹۸۰ تا آن زمان برای برند کوم د گارسونز طراحی کرده بود در معرض نمایش قرار گرفت. و نکته مهم و کاربردی دیگر آنکه در فلسفه و اندیشه این طراح فشن، پوشیدن لباس‌هایی که ست کردن آن‌ها آسان نیست کار بسیار جالبی به نظر می‌رسد چرا که اگر مردم تلاش کنند و بتوانند که این لباس‌ها را ست کنند، می‌توانند شکلی جدید از انرژی و قدرت خاص را تجربه کنند.

یادداشت ابراهیم دمشناس بر «نامه به یک پرنده آمریکایی»

اندیشیدن به داستان و زبان

ابراهیم دمشـناس یادداشـتی بر کتاب «نامه به یک پرنده آمریکایی» نوشته شـهاب لواسانی نوشته است. گروه فرهنگ و ادبیات هنرآنلاین: «نامه به یک پرنده آمریکایی» ششمین کتاب شـهاب لواسانی و دومین اثر داسـتانی او به حساب می‌آید که مردادماه از سوی انتشـارات کندوکاو منتشر شد. در یادداشت ابراهیم دمشناس داسـتان‌نویس و منتقد، می‌خوانیم: «پیش از دو داسـتان اخیرش، شهاب لواسـانی شاعر است که خود قوت قلبی‌ست برای انتخاب آن به لحاظ نثر و زبان و روایت؛ هر چند ورود ذهن شاعر به نثر و داستان مشروط است به پیرنگ جامع داستان، از آن رو که او باید در مقام نویسنده از برخی داشته‌ها و مصالح پیشین چشم بپوشد. حالا که سخن به شعر کشید بد نیست برای ادامه سخن نگاهی به پشـت سر کنیم: در نظم عروضی، که سیاق سخن فارسی در پس از اسلام شد، شعر و داستان فارسی زمانی به استقلال ادبی رسید که دست به امتزاج روایات شفاهی نثر بنیاد و قوالب عروضی عربی زدند و مثنوی را آفریدند که عمده شاهکارهای سخن و ادبیات فارسی در این قالب خلق شد. امری که در عصر جدید در مواجهه با ادبیات اروپایی برای ما گویشوران ادبی فارسی تجدید شده است. پیشنهاد خواندن «نامه به یک پرنده آمریکایی» از آن رو صورت می‌گیرد که به این مواجهه و آسیب‌مندی نوشتار فارسی می‌پردازد: طرح این اندیشه روایی که ما بند ناف داستان کوتاه و رمان را از خاستگاه تاریخی‌اش، که غرب باشد، نبریده‌ایم و همواره چشم به تایید و ترجمه آن‌ها از ما داریم و کمتر به این می‌اندیشیم که آیا همسایه و همشهری‌ام رمان مرا خوانده است؟ انگار که برای مترجمان می‌نویسیم، غافل از این‌که این امربه خیابانی یکطرفه بدل شده است. برهانی از این قاطع‌تر که آن‌ها التفات ادبی به ما ندارند و همت‌شـان مصروف نگارش متنی در التفات به موجودات فضایی‌ست و داستان خود بر این امر آگاه اسـت، چنان که پارادوکس خفته در عنوان باز می‌گوید. باز ما به خودزنی می‌پردازیم، چنان که منتقدی نویسنده‌ای را از طرح تفاوت‌های فرهنگی که متن را غامض کند در متن می‌پرهیخت تا متن ساده شود و سهل برای ترجمه... بگذریم. در این اندیشه بسیاری نویسنده با این بند ناف خود را در اعتراض به استانداردهای ادبی دوگانه دار زده‌اند. نویسـنده با اندیشـیدن به داستان و زبان و آن‌چه می‌نویسد توانسته است روایتی مکرر را بیگانه کند و به آن تازگی ببخشد؛ اندیشیدنی که در نوشتار ضرورتش حس می‌شود در گشودن چشم‌اندازی روشنگر که توامان آن است».

گفت‌وگو با تهیه‌کننده مستند «رم تا شهبازان»

برای دسترسی به منابع دست اول راه‌آهن ۵ سال زمان گذاشتیم

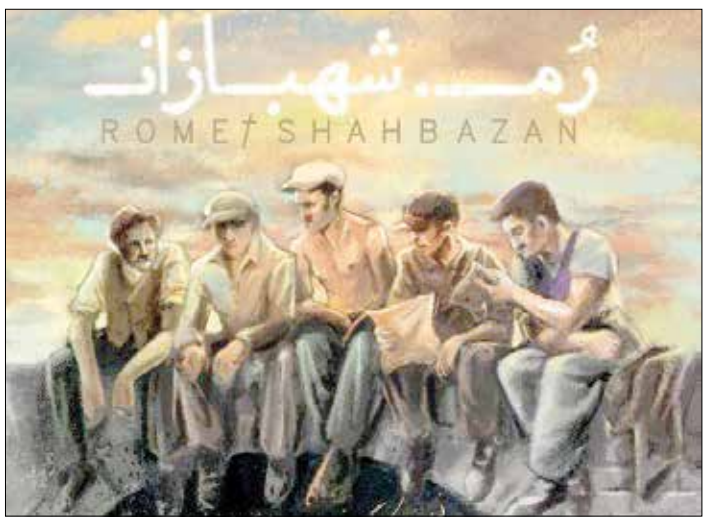

نرگس صفری، تهیه‌کننده مسـتند «رم تا شـهبازان» درباره این اثر که روایتی از تاریخ راه‌آهن سراسری ایران است، به بیان نکته‌ها و مسائلی پرداخت. به گزارش هنر آنلاین، مستند «رم تا شـهبازان» بـه کارگردانی محمدرضا صاحبـی و تهیه‌کنندگی نرگـس صفری به تازگی اکران آنلاین خود را در پلتفرم هاشـور آغاز کرده است. این مسـتند روایتی تاریخی از احداث راه‌آهن سراسـری در ایران است. در خلاصه داستان مستند «رم تا شهبازان» آمده است: «چهارم شهریور ۱۳۱۷ رویای صد ساله ایرانیان به تحقق پیوست. ایستگاه سمیه، محل برگزاری جشن افتتاح راه‌آهن سراسری ایران، شاهد به هم پیوستن ریل‌های خطوط شمال و جنوب بود تا بعد از هفده سال تلاش، بالاخره این کمربند آهنی با بسـته شدن پیچ طلایی محکم شود...» نرگس صفری (تهیه‌کننده) در گفتگو با هنرآنلاین درباره روند تولید مسـتند «رم تا شهبازان» گفت: این مستند را سال ۹۸ به اتمام رساندیم و اواخر همان سال قصد اکران آن را در هنر و تجربه داشـتیم که متاسفانه با کرونـا مواجه شـدیم. در نهایت به این نتیجه رسـیدیم که فیلم را به صـورت آنلاین اکران کنیم.

وی دربـاره پرداختـن به تاریـخ راه‌آهن سراسـری در ایران گفت: «رم تا شـهبازان» در واقـع روی تحقیق محمد محسـنیان که باستان‌شناس صنعتی است، شکل گرفته است. ایشان وقتی در سفرهای خود در حال پیگیری موضوع راه‌آهن بود، به شناسایی نکاتی پرداخت که تازه بود. در نهایت با توجه به اسـنادی که قبلا در کتابخانه‌ها و آرشیوها پیدا کرده بود، به این نتیجه رسیدیم که می‌توان درباره راه‌آهن مستندی کار کرد. صفری در ادامه با بیان اینکه در این اثر تلاش شده نگاهی متفاوت به تاریخ راه‌آهن شود، عنوان کرد: این مستند تنها تاریخ را روایـت نمی‌کند. از آنجا کـه تاریخ راه‌آهن در ایران با یک‌سـری اسامی شاخص شناخته می‌شود، متاسـفانه خیلی از اسامی در آن گم شده‌اند. یعنی باید بگویم تاریخ درباره راه‌آهن به دلایلی درست روایت نشده است. شاید یکی از علت‌های آن مربوط به فرضیه‌هایی باشد که می‌گوید راه‌آهن برای ایران ساخته نشده و این موضوع روی تاریخ راه‌آهن سایه انداخته است.

وی افـزود: آقای محسـنیان در پژوهش خود به صورت مسـتند تاریخ راه‌آهن را روایت می‌کنند. در کنـار این موضوع به حضور چند کشـور اروپایی که در ایران نقش اجرایی برای این موضوع داشتند نیز اشاره کرده است.

ایـن تهیه‌کننده مسـتند همچنین درباره فرضیه‌هایـی که راه‌آهن ایران را در راسـتای منافع کشـورهای دیگر چون آلمان، روسیه و انگلیس معرفی می‌کند، بیان کرد: این مشکلی است که ما همچنان با آن مواجهیم. به صورتی که تا می‌گوییم راه‌آهـن ایران، همه به آلمان اشاره می‌کنند. در صورتی که نمی‌توانیم بگوییم در ساخت راه‌آهن سراسری ایران، آلمان خیلی نقش داشته است. درباره روسیه و انگلیس هم چون در جنگ جهانی دوم ایران اشـغال شد، این فرضیه قوت گرفت که کشـورهای دیگر از راه‌آهن اسـتفاده کرده‌اند. صفری ادامه داد: عده‌ای باتوجه به ویژگی‌های شاخص صنعتی تصور می‌کنند که تمام طرح راه‌آهن توسـط آلمان‌ها بوده و به این صورت ساخته شده. ولی واقعا اینطور نیسـت. در حقیقت این فرضیه‌ها سـبب زیر سـایه رفتن این پرسش شده که بالاخره راه‌آهن سراسـری ایران چطور ساخته شـده است؟ وی همچنین درباره حساسیت‌ها نسـبت به پرداختن به موضوع راه‌آهن گفت: اگر واقعا درست تاریخ راه‌آهن را روایت کنیم، می‌بینیم که آنطور که تصور می‌شـود هم این موضوع حساسـیت برانگیز نبوده و به پهلوی ارتباطی ندارد. اولین جرقه‌هایی که روشنفکران ایرانی بـا آن به این نتیجه رسـیدند که باید راه‌آهن سراسری داشته باشند، به قبل از دوران پهلـوی و مربوط به اواخر دوران قاجار اسـت. یعنی از سال ۱۲۸۵ جزوه‌هایی درباره ترقی که راه‌آهن می‌تواند برای کشور ایجاد کند، در قشر مترقی آن زمان بوده و به دولت ارائه می‌شـده اسـت. این سـینماگر در ادامه اظهار داشت: اینکه راه‌آهـن نهایتا در دوره پهلوی به نتیجه رسیده اسـت؛ می‌توانیم بگوییم کشور در آن زمان به نسبت قبل تا حدودی سامان گرفته و خواست ترقی‌خواهی هم وجود داشته که منتج به عملیاتی شدن طرح راه‌آهن شده است. اگر تاریخ درست بررسی شود، می‌بینیم که حضور یک شـخص را نمی‌توانیم بـرای این موضوع بزرگ کنیم. در واقع خواست کشور و مطالبات مردم سبب شده تا برآیند آن راه‌آهن شود.

صفری با بیان اینکه در روایت این مسـتند تا حد ممکن تلاش شـده از بیان موضوع‌های سیاسـی دوری شود، گفت: ما هر چیز مستند را روایت کردیم. به عنوان مثال وقتی شـما در آرشـیو تاریخ راه‌آهن را دوره می‌کنید، یکی از کلیدواژه‌های آن پهلوی است و شما ناگزیرید یک سری اسناد آن دوره را بررسی کنید. ولی ما به بعد سیاسی ماجرا کاری نداشتیم و تنها بعد صنعتی را در نظر گرفتیم. همچنین به این موضوع پرداختیم که این پـروژه تا چه اندازه برآیند فعالیت و هنر و صنعت چند کشور با هم بوده که در ایران محقق شده است.

این تهیه‌کننده سـینمای مستند در بخش دیگری از صحبت‌هایش دربـاره چالش‌هایی که تولید مسـتندهای تاریخی به همراه دارد، گفت: آن چیزی که امروز در دنیا و کشـور ما طرفدار دارد، مستند اجتماعی است. آن چیزی که از مستندسازهای امروز هم دیده می‌شود، مستندهای اجتماعی است. شاید این موضوع به خاطر در دسـترس بودن منابع است. چون بـه هر حال یکـی از موانعی که در سـاخت مسـتندهای تاریخی وجود دارد، دسترسی به منابع مرتبط با موضوع مسـتند اسـت. اینکه آرشـیوها را پیدا کنیم و غربالگری شـود که اصلا از کدام می‌توان اسـتفاده کرد. وی افزود: به هر حال یک‌سری از آرشیوها هم محدودیت دسترسـی دارند. این موضوع پروسه را زمان‌بر می‌کند. بـه عنوان مثال در پروژه ما حداقل ۵ سـال برای دسترسی به منابع دست اول زمان گذاشـته شده اسـت. علاوه بر این نیز ممکن است، مسـائل تاریخی زیر بار مسائل سیاسی گم شـود و آن بخش سیاسـی ماجرا بیشتر دیده شـود که این خود مانعی اسـت. وی در ادامه گفت: متاسـفانه گاهی اوقات دوسـتان ترجیح می‌دهند به بیان مسـائلی بپردازند که مردم راحت‌تر می‌پذیرنـد و بعد قضاوت را به دسـت مخاطب بسـپرند. اما من فکر می‌کنم ذات مسـتند زمانی اعتبار دارد که سازنده آن اعتقاد داشته باشد در حال گفتن نکته درستی است. اینکه ما چقدر پایبند به این باشیم که در حال سـاخت روایتی مستند هستیم. نه اینکه هر کسـی هر چیزی دوست دارد بگوید و بعد بگوییم خودتان بروید و بررسی کنید و ببینید کدام درسـت و غلط است. برای ما خیلی مهم بود از منابعی استفاده کنیم که می‌توان آن را به واقعیت و منابع درست‌تر نزدیک کند. صفری در بخش پایانی صحبت‌هایش بیان کرد: خیلی امیدواریم ساخت مستند درباره راه‌آهن را ادامه دهیم. چون هنوز بخش‌هایی وجود دارد که هم ناگفته هم خیلی جذاب اسـت. سال ۹۴ برای اولیـن بار مطرح کردیم کـه راه‌آهن می‌تواند موضوعی گردشگری باشد.

اخبار کوتاه

جایزه‌ای به نام زنده یاد سیاوش مظلومی‌پور

جشنواره نقاشـی آبرنگ، جایزه زنده یاد سـیاوش مظلومی‌پور بهار سـال آینده برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، موزه سـیاوش مظلومی‌پور جشنواره نقاشی آبرنگ (جایزه مظلومی‌پور) را با هدف بررسی کیفیت تکنیک آبرنگ در نقاشـی و اسـتفاده آن ب انگاهی نو در موضوعات مختلف، شـیوه‌های گوناگون اجرا، تعریف عینی و ملموس از آبرنگ و رشـد و بالندگی این نوع از نقاشـی در رقابتبا برگزار می‌کند. هنرمندان برای شـرکت در این جشنواره می‌توانند از اول دی تا اول اسـفند ماه امسال آثار خود را به پست الکترونیکی info@mazloumipour.com ارسال کنند و برای اطلاعات بیشتر به سایت www.mazloumipour.comm مراجعه کنند. جشنواره نقاشی آبرنگ به دبیری فرشته ثابت کسایی برگزار می‌شود و شاهین آروین، بهمن بروجنی، واحد خاکدان، آیتای خرمی‌نژاد، محمود سمندریان، عدنان مصلایی، احمد مقدسی، مینا نادری و بهمن نیکو داوران جشنواره هستند.

آخرین وضعیت جسمی عزت‌الله مهرآوران

بـه گفتـه مدیرعامل موسسـه هنرمندان پیشکسـوت وضعیت ریه‌های عزت‌الله مهرآوران کمی بهتر شـده اما تپـش قلب مانع از خـارج کردن لوله از دسـتگاه تنفسـی این بازیگر شـده است. نیکنام حسـینی پور ـ مدیرعامل موسسـه هنرمندان پیشکسوت ـ در گفت‌وگویی با ایسـنا درباره آخرین وضعیت جسـمی عزت‌الله مهرآوران پس از ابتلاء به کرونا، توضیح داد: وضعیت داخلی بدن ایشان کمی بهم ریخته است و تپش قلب دارند؛ برای همین پزشـکان نتوانسته اند لوله‌ای که برای سـهولت در تنفس وارد نای شده بود را خارج کنند. او افزود: آقای مهرآوران همچنان در خواب مصنوعی به سر می‌برند اما وضعیت ریه‌هایشـان کمی بهتر شده است. حسـینی‌پور در پایان گفت: ان شاءالله با ادامه روند درمان حال ایشان بهتر شده و بهبود پیدا می‌کنند.

«من مرد تو هستم» فاتح جوایز فیلم آلمان شد

فیلم «من مرد تو هسـتم» جوایز اصلی مهم‌ترین جایزه سـالانه سـینمای آلمان را به خـود اختصـاص داد. به گزارش ایسنا به نقل ازهالیوود ریپورتر، فهرسـت برندگان جوایز فیلم آلمان در سـال ۲۰۲۱ اعلام شـد و کمدی درام علمی-تخیلی «من مرد تو هسـتم» به کارگردانی «ماریا شرادر» موفق به کسـب چند جایزه از جمله بهترین فیلم و کارگردانی شـد. همچنین «ماریا شرادر» به همراه «جان شومبرگ» برای نگارش فیلمنامه «من مرد تو هستم» با اقتباس از یک داستان کوتاه نوشته «اما براسلاوسکی» نویسنده آلمانی موفق به کسـب جایزه بهترین فیلمنامه شدند و «مارن اگرت» نیز برای بازی در این فیلم موفق به کسب جایزه بهترین بازیگر زن شد، جایزه‌ای که او پیش از این در جشنواره بین‌المللی فیلم برلین نیز کسب کرده بود. فیلم «من مرد تو هستم» اخیرا به عنوان نماینده سـینمای آلمان در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی نود و چهارمین دوره جوایز سـینمایی اسـکار انتخاب شده است. در سایر بخش‌ها «اولیور مازوچی» برای نقش آفرینی در فیلم «بچه تخس» جایزه بهترین بازیگر مرد جشـنواره را به خود اختصاص داد، جایزه بهترین مستند به «آقای باخمن و کلاسش» سـاخته «ماریا اسپت» رسـید و «رگ‌های جهان» به کارگردانی مشترک «اوا کِمه»، «آنسگر فریش» و «توبیاس سیبرت» نیز به عنوان بهترین فیلم کودک سال سینمای آلمان معرفی شد.

گزارش

روایت سپهر حاجی‌آبادی از نمایشگاه «طیب» در زیرزمین دستان

دریچه‌ای به تاریخ

سـپهر حاجی‌آبـادی گفت: یـک ویژگـی خیلـی مهم دربـاره طیب کـه برای من تعیین‌کننـده بـود، واضح نبودن شـخصیت اوسـت. نمایشـگاه آثـار سـپهر حاجی‌آبـادی بـا عنـوان «طیب» در زیرزمین دستان برگزار شـد. حاجی‌آبادی در گفت و گو با هنرآنلاین درباره شـکل‌گیری این مجموعـه گفت: فکر می‌کنم محل زندگی از مسـائل تعیین کننده‌ای بود که چنیـن موضوعی توجه مرا به خود جلب کـرد. من در کرج زندگی می‌کنم و کیفیتی که در فرهنگ لوتی‌گری وجود دارد را آنجا پررنگ دیدم و از کودکی با آن آشـنا بودم. قبلا درباره پهلوانان، درگیری‌ها و نزاع‌های مختلف کار کرده بودم زیرا احسـاس می‌کردم در چنین موقعیتی چیزی از آدم‌ها دیده می‌شود که می‌تواند خیلی بکر و منحصربه‌فرد می‌تواند باشد.

او درباره دلیل انتخاب طیب گفت: در تحقیقاتی که انجام دادم متوجه شـدم طیب ارتباط گسـترده‌ای با موضوعات بزرگ سیاسـی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دارد و به نوعی امکان نمایندگی این موضوعات در آن زمان را داشت. شـکل‌گیری این مجموعه یک روند طولانی‌مدت اسـت کـه ابتدا به صورت ناخودآگاه به وجود آمد و بعد وقتی بیشـتر روی آن تحقیق کرده و کار کردم، متوجه شـدم برای نقاشی کردن نیز انتخاب‌هایی به من می‌دهد که خیلی به دنبـال آن‌ها بودم. حاجی‌آبادی ادامه داد: یک ویژگی خیلی مهم درباره طیب که برای من تعیین‌کننده بود، عدم وضوح در شـخصیت اوست. در اطلاعاتی که جمع‌آوری کردم به تناقض‌های زیادی برخوردم و این اطلاعات ویژگی‌های شـخصیتی او را شفاف نمی‌کند. در کنار این ویژگی که در بیشتر آثارم به آن پرداختم، ویژگی‌های دیگری نیز وجود داشـت که شاید هرکدام از آن‌ها در یکی از آثارم پر رنگ شـده باشـد. او درباره میزان اسـتفاده از اسناد تاریخی گفت: در دو سال و نیم اخیر یک پروژه تحقیقاتی مفصل داشتم و از کتاب‌ها، مقالات و مصاحبه‌ها اطلاعاتی برای این مجموعه تهیه کردم. جالب اسـت که تمام اطلاعاتی که وجود دارد بسیار ضد و نقیض هستند و بعضی از آن‌ها جنبه افسـانه‌ای دارند. منابع تصویری هم که امکان کار بر روی آن‌ها وجود داشته باشـد چندان زیاد نبودند، اما با تحقیق توانستم متوجه شوم هرکدام از آن‌ها چه ارتباطی با تاریخ و رویدادهایی که طیب در آن نقشی ایفا کرده است دارد. در نهایت تمام این مجموعه بر اساس اسناد تاریخی و تصویری که وجود داشته کار شده است و روند ذهنی من براساس کاری بود که با این اسناد انجام دادم. حاجی‌آبادی افزود: انتخاب طیب برایم صرفاً انتخاب یک شخصیت و کار کردن روی ویژگی‌های آن نبود، بلکه فکر می‌کنم آن شـخص دریچه‌ای باز می‌کرد که می‌توانستم درباره چیزهای دیگری هم که برایم جالب توجه بود کار کنم. کار کـردن درباره طیب به نوعی کار کـردن روی آن دوره تاریخی و آدم‌های هـم دوره او بود. او درباره اینکه آیا مخاطب با دیـدن این آثار متوجه زمینه تاریخی آن‌ها می‌شـود یا خیر، گفت: فکر نمی‌کنـم مخاطب با دیدن کارها متوجه این موضوع تاریخی بشود. هرچند مشتاق بودم که این کیفیت تاریخی واضح‌تر باشد اما سـعی من بر این بود که با کیفیت یک تاریخ‌نگار این کار را نکنم. کتابی به اسم «پیشنهادات اجباری، راهنمای طیب بودن» درست کردم که در پنجاه نسـخه چاپ و عرضه شـد. در این کتاب سعی کردم تمام پروژه تحقیقاتی خود درباره طیب و آن دوره تاریخی را به دستورالعمل تبدیل کنم. این دستورالعمل خیلی جاها ممکن است کیفیت انتزاعی پیدا کند و مشخصاً اشـاره مستقیمی به آن دوره تاریخی و ویژگی‌های طیب نکند، اما مرجع من برای درآوردن این دسـتورالعمل همان تحقیقاتی بود که انجام دادم. شاید در این کتاب واضح‌تر مشخص شود که چه ویژگی‌هایی از تاریخ برایم جالب بوده اسـت، زیرا احسـاس می‌کنم باید تفاوتی میان یک تاریخ‌نگار و کسی که از طریق دیگری تاریخ را بررسی می‌کند وجود داشته باشد.